

Email:
isqt@sku.ac.ir

website:
<https://isqt.sku.ac.ir>

Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology



The Essence of Intellectual Humility and How to Cultivate It in the Holy Quran

Fatemeh Sayahiyan¹, Sadegh Mirahmadi², Sayyed Mojtabi Jalali^{2*}

¹ Master's student, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

² Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Article information

ABSTRACT

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Intellectual Humility,
Intellectual Arrogance,
HolyQuran, Cultivation.

Received: 2026/06/02

Accepted: 2026/06/20

*Corresponding author:

s.m.jalali@sku.ac.ir

How to cite this paper:

Sayahiyan, F., Mirahmadi, S., Jalali, S.M. (2026). The Essence of Intellectual Humility and How to Cultivate It in the Holy Quran. *Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology*. 3(2): 91-108.

This paper examines the Quranic foundations of intellectual humility and provides strategies for its cultivation, emphasizing its significance in intellectual and ideological interactions. The core issue addressed in this research is the challenge posed by intellectual arrogance, the refusal to accept the truth, and the difficulty of constructive dialogue and exchange of opinions in society, analyzed through a Quranic lens. The research methodology is analytical-interpretive, relying on verses from the Holy Quran and reputable exegeses (tafasir). The findings indicate that intellectual humility—defined as the acceptance of truth, modesty before knowledge, and the readiness to re-evaluate one's beliefs—is a prominent trait of the believers, whereas intellectual arrogance is considered a primary obstacle to growth and perfection. The results suggest that the Holy Quran, by presenting prophets and saints as role models, characterizes “intellectual humility” not as a sign of weakness, but as a symbol of spiritual fortitude and a tool for epistemic growth. Institutionalizing this virtue in society, based on Quranic teachings, is a prerequisite for achieving empathy, dynamism, and progress in all human domains

DOI: [10.22034/isqt.2026.15091.1039](https://doi.org/10.22034/isqt.2026.15091.1039)



چیستی تواضع فکری و چگونگی پرورش آن در قرآن کریم

فاطمه سیاحیان دهکردی^۱، صادق میراحمدی^۲، سید مجتبی جلالی^{*۲}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی واژگان کلیدی: تواضع فکری، تکبری فکری، قرآن کریم، پرورش. تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: s.m.jalali@sku.ac.ir ارجاع: سیاحیان دهکردی، ف.، میراحمدی، ص.، جلالی، س.م. ۱۴۰۵. چیستی تواضع فکری و چگونگی پرورش آن در قرآن کریم، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲)، ۹۱-۱۰۸.	این مقاله به بررسی مبانی قرآنی تواضع فکری و ارائه راهکارهایی برای پرورش آنها می‌پردازد و بر اهمیت آن در تعاملات فکری و عقیدتی تأکید دارد. مسئله اصلی این پژوهش، چالش‌های ناشی از تکبر فکری، عدم پذیرش حق، و دشواری گفتگو و تبادل نظر سازنده در جامعه، با نگاهی قرآنی است. روش پژوهش، تحلیلی-تفسیری با اتکا به آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تواضع فکری، به معنای پذیرش حقیقت، تواضع در برابر دانش، و آمادگی برای بازنگری در عقاید، از صفات برجسته مؤمنان است و تکبر فکری، مانع اصلی رشد و کمال محسوب می‌شود. نتایج حاکی از آن است قرآن کریم با الگوسازی از پیامبران و اولیای الهی، «تواضع فکری» را نه نشانه‌ی ضعف، بلکه نماد صلابت معنوی و ابزاری برای رشد معرفتی می‌داند. نهادینه‌سازی این فضیلت در جامعه، با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، پیش‌شرط دستیابی به همدلی، پویایی و پیشرفت در تمامی عرصه‌های انسانی است.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، افزون بر تبیین اصول اعتقادی و احکام عملی، به پرورش فضایل فکری و معرفتی انسان نیز توجه ویژه‌ای دارد و در این میان، یکی از مهم‌ترین این فضایل، تواضع فکری است. از آنجا که در عرصه اندیشه و باور، مواجهه انسان با حقایق همواره تحت تأثیر نگرش‌های درونی او قرار دارد، تواضع فکری حالتی معرفتی به شمار می‌آید که در آن فرد با درک محدودیت‌های علمی و شناختی خود، از خود بزرگ‌بینی فکری و اصرار بر دیدگاه‌های شخصی بدون دلیل منطقی پرهیز می‌کند و در نتیجه با ذهنی باز و پذیرنده در جست‌وجوی حقیقت برمی‌آید. بنابراین، انسان برخوردار از این فضیلت، زمینه لازم را برای جست‌وجوی دانش، پذیرش هدایت و احترام به دیدگاه‌های دیگران فراهم می‌سازد. در عین حال، در جهان معاصر، با وجود گسترش اطلاعات و دسترسی وسیع به منابع علمی و رسانه‌ای، پدیده‌هایی مانند توهم دانایی، جزم‌گرایی و بی‌اعتنایی به نقد نیز افزایش یافته و مانعی برای رشد فکری و بررسی صحیح مسائل شده است؛ از همین رو، تواضع فکری به عنوان فضیلتی بنیادین اهمیت می‌یابد، زیرا انسان را از مواضع قطعی و بی‌دلیل دور کرده و او را نسبت به خطاهای معرفتی هوشیار می‌سازد. از سوی دیگر، در آموزه‌های قرآن کریم، انسان موجودی معرفی می‌شود که دانش او در برابر علم بی‌کران الهی بسیار اندک است و همین حقیقت، زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرشی فروتنانه در عرصه اندیشه و داوری است.

به همین دلیل، قرآن کریم از یک سو انسان را به تفکر و تدبر، پرسشگری و پیروی از برهان دعوت می‌کند و از سوی دیگر، تکبر، تعصب و لجاجت را به شدت نکوهش می‌نماید؛ و این تقابل نشان می‌دهد که تواضع فکری در منطق قرآن صرفاً یک خصلت فردی نیست، بلکه یکی از پیش‌شرط‌های اساسی هدایت‌پذیری و نیل به حقیقت به‌شمار می‌رود. در واقع، در فضای فکری امروز که خودبرتربینی معرفتی، داوری شتاب‌زده و نادیده گرفتن نظر و تجربه دیگران رواج یافته، قرآن با نهی از جدال بی‌ثمر، ظن‌گرایی و تعصب، و همچنین با تأکید بر برتری علم الهی، تواضع فکری را شرط سلامت معرفتی و حقیقت‌جویی معرفی می‌کند؛ تا بدین ترتیب انسان از غرور علمی، تعصب فکری و جمود ذهنی رها شده و به یادگیری حقیقی و پذیرش حق رهنمون شود. در مقابل این رویکرد، پدیده‌ای با عنوان «تکبر فکری» قابل مشاهده است که می‌تواند فرایند گفت‌وگوی سازنده، پذیرش حقیقت و

رشد علمی و معنوی افراد را با اختلال مواجه سازد.

این پدیده با شاخصه‌هایی همچون خودبرترپنداری معرفتی، پافشاری بر باورهای شخصی بدون اتکای کافی به استدلال منطقی، و بی‌اعتنایی به دیدگاه‌های دیگران شناخته می‌شود و علاوه بر این، در سطح اجتماعی نیز می‌تواند به شکل‌گیری و تعمیق شکاف‌های فرهنگی و فکری بینجامد. از این رو، در برابر تکبر فکری، فضیلتی با عنوان «تواضع فکری» مطرح است که زمینه فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر حقیقت، ارتقای سطح دانش و بهبود کیفیت تعامل با دیگران را فراهم می‌آورد. بر این اساس، نوشتار حاضر با اتخاذ رویکردی قرآنی، در پی آن است که ابعاد گوناگون تواضع فکری را تبیین کرده و اهمیت آن را در سامان‌دهی تعاملات فکری و اعتقادی روشن سازد، بی‌آنکه از چارچوب مفهومی اولیه فراتر رود. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. منابع اصلی شامل قرآن کریم، تفاسیر معتبر، آثار معرفت‌شناسی اسلامی و پژوهش‌های مرتبط با فضایل فکری است. با تحلیل آیات و جمع‌آوری شواهد تفسیری، تلاش می‌شود تعریفی روشن از تواضع فکری در قرآن و شاخصه‌های آن ارائه گردد.

انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دیدگاهی جامع درباره جایگاه تواضع فکری در نظام معرفتی قرآن ارائه دهد و با رفع برداشت‌های نادرست از تواضع—مانند خلط میان تواضع معرفتی و ضعف فکری—به ارائه تصویری متعادل و صحیح از این فضیلت کمک کند. چنین برداشتی می‌تواند راهنمایی عملی برای ارتقای ظرفیت شناختی انسان و جلوگیری از خطاهای رایج معرفتی باشد.

در مجموع، پژوهش حاضر گامی است در جهت تبیین یکی از بنیادی‌ترین فضایل فکری از منظر قرآن کریم؛ فضیلتی که به انسان امکان می‌دهد در مسیر حقیقت‌طلبی، همواره در برابر دانش و هدایت الهی گشوده، پذیرای نقد و اصلاح، و آماده یادگیری باشد. فهم و پرورش تواضع فکری می‌تواند زمینه‌ساز تعالی معرفتی انسان و پیشگیری از انحرافات فکری شود؛ مسیری که قرآن کریم آن را از راه‌های اصلی رشد و هدایت بشر معرفی کرده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

در جامعه معاصر، تواضع فکری بیش از هر زمان دیگری ضروری و حیاتی است. امروزه ما با انبوهی از اطلاعات متنوع روبرو هستیم و هر روز از طریق راه‌های گوناگون با نظرات، تحلیل‌ها و دیدگاه‌های مختلفی برخورد می‌کنیم. نکته مهم در مواجهه با این اطلاعات این است که انسان نباید تنها به داشتن اطلاعات اکتفا کند، بلکه باید بتواند این اطلاعات را در ذهن خود به درستی بررسی کرده و حق را از باطل تشخیص دهد. این امر زمانی

امکان‌پذیر است که فرد با ذهنی باز به دیدگاه‌های دیگران گوش فرا دهد و از پذیرش احتمال خطا در برداشت‌های خود هراسی نداشته باشد. در واقع، اهمیت تواضع فکری از این جهت است که انسان، هنگام مواجهه با حجم انبوه اطلاعات، بپذیرد که همه چیز را نمی‌داند و با تکیه بر تفکر و اندیشه خود، به این باور برسد که همواره فرصت یادگیری وجود دارد. در مقابل تواضع فکری، تکبر فکری قرار دارد که مانعی جدی در مسیر رشد فکری محسوب می‌شود و می‌تواند آسیب‌های فراوانی به فرد و جامعه وارد کند.

از این رو، قرآن کریم به عنوان یک نظام جامع هدایتی، به مقوله تواضع نه تنها در ساحت اخلاق فردی، بلکه به عنوان قاعده‌ای جامع و کامل در تعاملات فکری نیز اشاره کرده است. بنابراین، بررسی تواضع فکری از منظر قرآن، به فهم عمیق‌تر کمک کرده و زمینه‌ای مناسب برای رشد فکری و معرفتی فراهم می‌آورد. در نتیجه، این موضوع نه تنها از جنبه دینی ارزشمند است، بلکه از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار حیاتی می‌باشد.

پیشینه پژوهش:

مفهوم تواضع و تواضع در ادبیات دینی و اخلاقی، به ویژه در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. روایات و آیات فراوانی در مذمت کبر و مذمت و تشویق به تواضع وجود دارد. با این حال، پژوهش مستقیمی که به طور جامع و با تمرکز بر آیات قرآن کریم، به بررسی چیستی «تواضع فکری» و پرورش آن از منظر قرآن کریم پرداخته باشد، کمتر به چشم می‌خورد. این مقاله تلاش دارد تا با پر کردن این خلاء، نگاهی نو و قرآنی به این موضوع ارائه دهد.

۱. محمد سبحانی در مقاله‌ای با عنوان تواضع و فروتنی (۱۳۸۴)، به تبیین مفهوم تواضع، نشانه‌ها و آثار آن پرداخته و تأکید می‌کند که تواضع و فروتنی از شاخصه‌های اصلی مردم‌داری به‌شمار می‌آید؛ همان‌گونه که در سیره و شخصیت پیامبر اکرم (ص) نمود آشکاری دارد.

۲. فاطمه عامری‌مهر در مقاله‌ای با عنوان تواضع (۱۳۸۵)، تواضع را از ویژگی‌های برجسته‌ی انسان می‌داند، به دیدگاه پیامبر اکرم (ص) و امامان درباره‌ی تواضع اشاره می‌کند و به مفهوم تواضع اخلاقی می‌پردازد.

۳. در موسسه جوانان آستان قدس رضوی، جمعی از نویسندگان در کتابی با عنوان تواضع، اخلاق توحیدی (۱۴۰۳) به چیستی و فلسفه تواضع و راهکارهای تحصیل آن می‌پردازد و بیان می‌کند که تواضع به‌عنوان حالتی درونی در وجود انسان، نوعی شکستگی و فروتنی قلبی تلقی می‌شود که در نتیجه‌ی آن، فرد از احساس برتری‌جویی نسبت به دیگران باز می‌ماند. این وضعیت روانی، به شکل‌گیری نگرش برابرگرایانه و رفتارهای مبتنی بر احترام متقابل منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که فرد در گفتار و کردار خود، شأن و منزلت دیگران را ارج می‌نهد و

آنان را شایسته‌ی تکریم و بزرگ‌داشت می‌داند.

۴. محمدحسن نبوی در مقاله‌ی تواضع و فروتنی (۱۳۹۰) به تبیین جایگاه تواضع پرداخته و بیان می‌کند که تواضع و فروتنی از ویژگی‌های بسیار ارزشمند انسانی است که افزون بر پاداش اخروی، آثار و پیامدهای دنیوی نیز در پی دارد.

۵. حسین انصاریان در کتاب تواضع و آثار آن (۱۳۸۸)، به تبیین تواضع، درجات آن و نمود این فضیلت در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد و بیان می‌کند که تواضع در پیشگاه خداوند از چنان جایگاهی برخوردار است که پروردگار عالم دست‌کم در سه موضع از سوره‌های قرآن به آن اشاره کرده و هرگونه پیوند با متکبران را نفی کرده است.

۶. مجتبی تهرانی در کتاب تأدیب غضب: کبر و تواضع (۱۴۰۰) به بررسی فضایل و رذایل قوه‌ی غضبیه می‌پردازد و کبر و تواضع را به‌عنوان دو حالت روحی متضاد تبیین می‌کند. وی ابتدا به تعریف و تبیین مفهوم کبر پرداخته و بر اساس روایات، پیامدهای فردی و اجتماعیِ اتصاف انسان به این صفت را بیان می‌نماید. سپس با تمرکز بر ساحت‌های مختلف زندگی، چگونگی تحقق تواضع را شرح داده و راهکارهایی برای نهادینه‌سازی تدریجی این فضیلت اخلاقی در زندگی انسان ارائه می‌دهد.

۷. مهدی نراقی در کتاب گزیده علم اخلاق اسلامی (۱۳۹۳) ضمن طرح مباحث مربوط به فضایل و رذایل اخلاقی، به تبیین ملاک و معیار ارزش‌های اخلاقی می‌پردازد. وی در این چارچوب، تواضع را چنین تعریف می‌کند: حالتی از شکسته‌نفسی و فروتنی درونی که مانع از آن می‌شود فرد خود را برتر و بالاتر از دیگران بداند. از منظر او، این صفت درونی در سطح رفتار نیز متجلی می‌شود و در قالب گفتار و کردارهایی که به بزرگداشت، احترام و اکرام دیگران می‌انجامد، ظهور می‌یابد.

در بیشتر پژوهش‌هایی که درباره تواضع انجام شده، این مفهوم عمدتاً در قالب یک فضیلت اخلاقی رفتاری و شخصیتی بررسی شده است. در این آثار ذکر شده، تواضع به‌عنوان حالتی از شکسته‌نفسی، فروتنی در رفتار، عدم برتری‌جویی نسبت به دیگران و رعایت احترام و تکریم در روابط اجتماعی تبیین کرده‌اند. محور اصلی این آثار، تهذیب اخلاقی، روابط میان فردی و سیره عملی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. اما آنچه در این آثار کمتر دیده می‌شود، محوریت «فروتنی فکری»، به عنوان یک فضیلت شناختی و معرفتی است. لذا، پژوهش حاضر با پرداختن به بعد معرفتی تواضع به دنبال پر کردن خلأ مطالعاتی در حوزه «فروتنی فکری» است و می‌کوشد این مفهوم را با تکیه بر آیات قرآن و سیره معصومین (ع) تبیین نماید.

تواضع فکری

«تواضع فکری» یا «تواضع معرفتی» از فضایل برجسته است که رشد فردی، اعتلای دانش و توسعه پایدار اجتماعی را ممکن می‌سازد؛ زیرا انسان را به گشاده‌رویی نسبت به دانش و تجربیات متنوع و پذیرش نظرات مخالف، حتی اگر با باورهایش ناسازگار باشند، ترغیب می‌کند و زمینه گفت‌وگوهای سازنده و کاهش تعصب و جمود فکری را فراهم می‌آورد. به عبارت دقیق‌تر، تواضع فکری به معنای آگاهی عمیق انسان از محدودیت‌های ذاتی دانش خویش و پذیرش گسترده‌ی بیکران نادانسته‌ها در برابر اندک دانسته‌هاست. این فضیلت، فرد را از افتادن در دام غرور معرفتی و خودمحوری در فرآیند اندیشه‌ورزی مصون می‌دارد (لطیفی، ۱۴۰۰: ۱۱).

این فضیلت در جهان پرچالش امروز، انسان را از تعصب و تقلید کور می‌رهاند و او را به پرسشگری، بازبینی باورها و پذیرش امکان خطا فرا می‌خواند. این خصیصه، زمینه رشد فکری فرد را فراهم کرده و در سطح اجتماعی، جامعه‌ای حقیقت‌جو، پویا و خلاق را به سوی کمال معرفتی هدایت می‌کند. در میان آموزه‌های قرآن کریم، تواضع فکری جایگاهی ویژه دارد و به عنوان فضیلتی بنیادین، نه تنها نشانه بلوغ عقلانی انسان، بلکه عاملی مؤثر در رشد علمی، گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز محسوب می‌شود. برخلاف تصور رایج، تواضع فکری به معنای خودکم‌بینی یا انکار عقل نیست، بلکه پذیرش حقیقت، آگاهی از محدودیت‌های شناختی، بازنگری در باورها و پرهیز از جزم‌اندیشی را شامل می‌شود. قرآن انسان‌ها را به تفکر همراه با تواضع، پرسشگری بی‌تعصب و دوری از غرور فکری دعوت می‌کند و از این طریق اهمیت تواضع را در عرصه اندیشه و معرفت برجسته می‌سازد.

فردی که از تواضع فکری برخوردار است، حتی اگر آشکارا از دیگران دانش بیشتری داشته باشد، به جای تحمیل دیدگاه خود، در پی گفت‌وگوی فکری واقعی با دیگران است تا آنان را در مسیر دستیابی مستقل به حقیقت یاری کند. چنین فردی نمی‌خواهد دیگران حقیقت را به صورت منفعلانه بپذیرند، بلکه می‌کوشد زمینه‌ای برای تأمل و داوری آگاهانه فراهم آورد. در عین حال، او از اعتماد به نفس فکری نیز برخوردار است؛ بدین معنا که هرگاه بر پایه دلایل و شواهد به درستی قضاوت خود اطمینان دارد، با ثبات و استواری از باورهایش دفاع می‌کند. این امر با تکبر یا خودبرتربینی متفاوت است، زیرا او در کنار پابندی به باورهای خود، رفتاری همراه با احترام واقعی نسبت به دیگران نشان می‌دهد. از این رو، میان تواضع فکری و اعتماد به نفس فکری هیچ تعارضی وجود ندارد (Pritchard, 2020, 405).

این فضیلت در سخنان معصومین (ع) و پیامبر اکرم (ص) نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «بالاترین مردم از نظر مقام بندگی، کسانی هستند که با وجود رفعت مقام، متواضع و فروتن باشند»

(مجلسی، ۱۳۶۲: ۱/۱۹۸). این بیان شریف نشان می‌دهد که ارزش واقعی انسان‌ها نه در جایگاه اجتماعی یا میزان علم، بلکه در برخورد متواضعانه با دیگران و خود است؛ به گونه‌ای که فرد همواره در جست‌وجوی حقایق جدید باشد و از غرور علمی پرهیزد.

تواضع فکری، زمینه‌ساز رشد فکری و تعالی روحی است؛ زیرا انسان را از تعصبات، پیش‌داوری‌ها و غرور علمی رها کرده و امکان درک حقیقت را به او می‌دهد. این فضیلت به ویژه در پذیرش نادانی و اجتناب از ادعاهای بی‌اساس جلوه می‌یابد و اذعان صادقانه به «نمی‌دانم» در منابع دینی ستوده شده است (لطیفی، ۱۴۰۰: ۱۱). همچنین، تواضع فکری در مقام استادی نمونه‌ای بارز از تجلی این فضیلت است؛ استادی که نسبت به پیشرفت‌های دانشجویان خود نگرشی مثبت و پذیرنده دارد و موفقیت آنان را غایت فرآیند آموزشی می‌داند (خداپرست، ۱۳۹۷: ۳۷۰).

به این ترتیب، تواضع فکری به معنای آگاهی از محدودیت‌ها، پذیرش نادانسته‌ها، پرهیز از مجادلات بیهوده و اصلاح باورهاست. فرد متواضع با این رویکرد، در فعالیت‌های علمی و معرفتی به واقع‌بینی و نقدپذیری دست می‌یابد و مسیر رشد و پیشرفت سازنده را می‌پیماید (همت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۳۰). در بلندمدت، چنین فضیلتی پیامدهایی چون انسجام فکری، صداقت و شرافت ذهنی به همراه دارد (خداپرست، ۱۳۹۷: ۳۸۰). در نهایت، تواضع فکری گوهری ناب در آموزه‌های قرآنی است که انسان را از خودبرتربینی رها کرده و به جست‌وجوی حقیقت و رشد جمعی و فردی هدایت می‌کند. برخلاف خودبرتربینی که انسان را در حصار توهم دانایی نگه می‌دارد، تواضع فکری امکان درک عمیق‌تر، گفت‌وگوهای سازنده و نوآوری‌های معنوی و علمی را فراهم می‌آورد و قلب انسان را به نور الهی مزین می‌سازد.

مبانی قرآنی تواضع فکری را می‌توان در سه محور اساسی تبیین کرد: نخست، اقرار به محدودیت دانش بشری که مانع غرور علمی می‌شود؛ دوم، پرهیز از تکبر علمی و مجادلات بی‌ثمر؛ و سوم، دعوت به تفکر و تدبیر با رویکردی باز و فروتنانه نسبت به پذیرش حقایق.

اقرار به محدودیت علم بشری:

یکی از آموزه‌های بنیادی قرآن، تأکید بر محدودیت علم بشر در برابر علم بی‌نهایت الهی است؛ چرا که هرچند انسان در طول تاریخ به پیشرفت‌های علمی دست یافته، دانش بشری در مقایسه با وسعت هستی و حقایق ناشناخته محدود و ناکافی است. آیات قرآن نیز بارها یادآور شده‌اند که علم انسان در برابر علم خداوند ناچیز است و هر دانش بشری در واقع نوری است از مشیت و اراده الهی. این نگرش، فرد را از غرور علمی باز می‌دارد و پذیرش

ندانستن‌ها را انگیزه‌ای برای تحقیق و پژوهش بیشتر فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، فروتنی فکری به معنای آگاهی از حدود دانش خود، گشودگی نسبت به دیدگاه‌های جدید و پرهیز از ادعاهای فراتر از دانسته‌های واقعی است. با وجود تمایل رایج افراد به بیش‌برآورد درستی باورهایشان، فروتنی فکری ایجاب می‌کند که محدودیت‌های شناختی خود را بشناسند و بر همان اساس عمل کنند.

نمونه‌ای روشن از این دیدگاه در قرآن، داستان دیدار حضرت موسی با حضرت خضر در سوره کهف است، که نشان می‌دهد حتی انسان‌های بزرگ نیز در مواجهه با برخی حقایق نیازمند تواضع علمی و یادگیری از دیگران هستند. همچنین، آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۚ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء/ ۸۵) بر محدودیت دانش بشری تأکید کرده و آن را در مقایسه با عظمت خلقت ناچیز می‌داند؛ بنابراین، علم انسان تنها بخش کوچکی از دانش موجود را درک می‌کند و پیشرفت‌های علمی نشانه‌ای از وجود خالق توانا و داناست (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۵/ ۱۳۱-۱۳۴).

آیه «... وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» به‌طور کلی تأکید می‌کند که علم مطلق تنها به خداوند تعلق دارد و دانش بشری همواره محدود و ناتمام است. حتی پیامبران بزرگ نیز از برخی امور بی‌اطلاع‌اند و خداوند به آنان علم می‌آموزد. بنابراین، انسان‌ها نباید تصور کنند به نهایت دانش رسیده‌اند و باید همواره در تلاش برای کسب دانش بیشتر باشند. این نکته، محدودیت ذاتی دانش بشری و ضرورت تواضع و استمرار در یادگیری را نشان می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۸: ۵/ ۴۳۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۱/ ۳۰۹؛ یوسف/ ۷۶).

در آیه «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۚ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۚ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» تأکید می‌شود که در قرآن به پیامبر توصیه شده است که در دریافت وحی عجله نکند؛ اما این توصیه به معنای منع تلاش برای افزایش دانش نیست، بلکه سفارش به کسب علم مستمر است، همان‌طور که در آیه آمده است در اسلام، علم محدود به زمان و مکان نیست و همواره باید دنبال شود.

با این حال، از آنجا که علم بشری محدود است و هیچ‌کس نمی‌تواند به دانش کامل دست یابد، بنابراین پیگیری مداوم علم و تواضع در برابر دانش نامحدود خداوند ضروری است. از این رو، اصطلاح «فارغ التحصیل» در مسیر علمی اسلام بی‌معنی است و تلاش برای کسب علم تا پایان عمر ادامه دارد.

این دیدگاه نشان می‌دهد که از منظر وحی، علم بشر ذاتاً محدود است و همواره نیازمند رشد و طلب بیشتر است؛ بنابراین، پذیرش محدودیت علم بشری، پایه‌ی تلاش بی‌پایان برای کشف حقیقت در جهان‌بینی اسلامی محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۳۱۴-۳۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴/ ۳۰۰؛ طه/ ۱۱۴).

علاوه بر این، آیه «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» نشان می‌دهد که علم خداوند نسبت به

همه امور، از گذشته تا آینده، نامحدود و کامل است، اما علم شفاعت کنندگان محدود و ناچیز است. خداوند تنها به کسانی اجازه شفاعت می‌دهد که به طور کامل شایستگی و وضعیت آنها را می‌داند و آنها مطابق رضایت او عمل می‌کنند. این آیه تأکید بر تفاوت بین علم نامحدود الهی و علم محدود بشری دارد (قرشی، ۱۳۷۷: ۶/ ۴۵۰؛ طه/ ۱۱۰).

همچنین در آیه «...وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ...»؛ احاطه کامل علمی خداوند بر گذشته و آینده شفاعت تأکید شده است؛ آنان خود دانش کامل ندارند و تنها به اندازه‌ای که خداوند بخواهد از علم مطلع می‌شوند. از این رو، هیچ کس دانش ذاتی ندارد و همه علوم از ناحیه خداوند است. همچنین، ممکن است خداوند دانش‌های غیبی را به برخی افراد خاص اعطا کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰/ ۲۷۰؛ جعفری، ۱۳۹۸: ۱/ ۵۸۴-۵۸۵؛ بقره/ ۲۵۵).

در آیه «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ...» مفسران قرآن دو دیدگاه درباره علم خداوند نسبت به باران و حالات جنین دارند: برخی معتقدند این دانش دقیق و جزئی فقط به خداوند تعلق دارد و دانش انسان‌ها در این زمینه ناقص و کلی است، در حالی که برخی دیگر این آیات را به عنوان یادآوری نعمت‌ها و علم الهی می‌دانند. با این حال، دیدگاه اول با توجه به سیاق آیه و روایات اهل بیت قوی‌تر است. این تفسیر بر محدودیت علم بشری تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که خداوند آگاهی کامل درباره زمان قیامت، مکان مرگ و حوادث آینده را به انسان‌ها نمی‌دهد تا آنان به عظمت علم الهی پی ببرند و در تلاش و کوشش خود جدیت بیشتری داشته باشند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۶/ ۲۵۹-۲۶۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۷/ ۲۹۳-۲۹۴؛ لقمان/ ۳۴).

آیه «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» نشان‌دهنده علم بی‌کران و نامحدود الهی است؛ زیرا خداوند بر تمام جهان بی‌پایان احاطه دارد و در همه‌جا حاضر است. از این رو، انسان باید به گستردگی علم الهی آگاه باشد و محدودیت دانش خود را بپذیرد، به‌طوری‌که هرچه بیشتر می‌آموزد، بیشتر به نادانی خود پی می‌برد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۶/ ۲۴۳؛ لقمان/ ۲۷). در آیه «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ...» خداوند به تمامی منابع پنهان و موجودات خشکی و دریاها آگاه است؛ این آگاهی شامل تمام جزئیات و حالات آنهاست و نشان‌دهنده گستردگی علم الهی است. «کتاب مبین» به احتمال قوی نشان‌دهنده علم کامل خدا یا نظام علت و معلول‌هاست که همه امور در آن ثبت شده‌اند. علم خدا محدود به کلیات نیست و شامل تمام جزئیات جهان است، اما این علم به معنای جبر نیست و انسان همچنان آزاد و مختار است. آگاهی از این علم وسیع الهی تأثیر تربیتی مهمی بر انسان دارد و او را به مراقبت بیشتر در رفتار و نیت‌های خود وادار می‌دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۶/ ۱۰۰۹).

طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷/ ۱۸۳؛ انعام/ ۵۹).

درنهایت، آیه «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ بیانگر آن است که منشأ همه دانش‌های انسانی، چه دینی و چه غیردینی، خداوند است. این تعلیم الهی ممکن است از طریق الزام انسان به یادگیری، قرار دادن عقل به عنوان ابزار درک، یا ارسال پیامبران و فرشتگان برای آموزش تحقق یابد. در نتیجه، همه علوم به نوعی به خداوند منسوب‌اند و از اراده و هدایت او سرچشمه می‌گیرند (طبرسی، ۱۴۰۸ه.ق: ۶/ ۶۷۰-۶۷۱؛ علق/ ۵).

پرهیز از تکبر علمی و جدال بی‌حاصل:

علم و دانش موهبتی الهی است که خداوند به انسان ارزانی داشته و به عنوان چراغ هدایت و روشنایی بخش مسیر جست‌وجوی حقیقت، به انسان‌ها کمک می‌کند. این موهبت الهی انسان را از خطرات بزرگی مانند تکبر علمی و جدال‌های بی‌ثمر بازمی‌دارد؛ خطراتی که نه تنها روح دانش را آلوده می‌کنند، بلکه مانع درک حقیقت نیز می‌شوند.

آیه «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ ۖ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا...» به افرادی اشاره دارد که بدون دلیل عقلی و نقلی، در برابر آیات الهی مقاومت می‌کنند و با استدلال‌های بی‌اساس و لجاجت به مخالفت ادامه می‌دهند. چنین رفتارهایی موجب خشم شدید خداوند و مؤمنان می‌شود، زیرا جدال بر پایه باطل، نور هدایت را خاموش و پایه‌های ظلم را مستحکم می‌کند. در نهایت، خداوند بر قلب این افراد متکبر مهر می‌زند؛ به گونه‌ای که راه پذیرش حق برایشان مسدود می‌شود و حق در نظرشان تلخ و باطل شیرین جلوه می‌کند. این آیه بر پرهیز از تکبر علمی و جدال‌های بی‌ثمر تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/ ۹۹-۱۰۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸/ ۱۴۸-۱۴۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۸/ ۲۵۲-۲۵۳؛ غافر/ ۳۵).

بر اساس تفسیر آیه «...إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا...»، افرادی که با روحیه‌ی تکبر و لجاجت در برابر آیات الهی و دعوت پیامبران مقاومت می‌کنند، به تدریج از توفیق درک حقایق محروم می‌شوند. این محرومیت ناشی از عملکرد آگاهانه خود آنان در انکار و بی‌اعتنایی به حقیقت است. در نتیجه، حتی با دیدن آیات الهی نیز ایمان نمی‌آورند، راه هدایت را برنمی‌گزینند و آگاهانه مسیر گمراهی را دنبال می‌کنند. این آیه هشدار می‌دهد که نسبت به آثار معرفتی تکبر علمی و جدال‌های بی‌پایه، که می‌تواند به انسداد درک و عدم تأثیرپذیری از حقیقت منجر شود (جعفری، ۱۳۹۸: ۴/ ۲۲۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷/ ۲۴۲-۲۴۳؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/ ۱۷۳؛ اعراف/ ۱۴۶).

در آیه ۲۳ سوره نحل تکبر صفتی درونی است که ممکن است در رفتارهای ظاهری آشکار یا پنهان باشد، اما

خداوند به نیت‌ها و درون انسان‌ها آگاه است. محبت و خشم الهی ثابت و تغییرناپذیرند و متکبران که مورد رضایت خدا نیستند، از نعمت‌ها و رحمت او دور می‌شوند. قرآن و احادیث، متکبران را افرادی معرفی می‌کنند که به آیات الهی توجه نمی‌کنند و راه حق را نمی‌پذیرند. بنابراین، پرهیز از تکبر علمی و لجاجت در برابر حقیقت، شرط دریافت محبت و هدایت الهی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۲۴-۲۲۵؛ جعفری، ۱۳۹۸: ۶/۱۲۴).

تفسیر نمونه، حول محور آیه ۶۳ سوره فرقان، بندگان خاص خداوند را به دو صفت مهم تواضع و حلم توصیف می‌کند. تواضع که حتی در نحوه راه رفتن آنان آشکار است، نشان‌دهنده ناسازگاری ذاتی میان کبر و عبودیت است؛ زیرا فرد متکبر با گردن‌کشی و تمسخر حقایق، خود را از ظرفیت شنیدن سخنان خدا محروم می‌سازد. تواضع نشانه ایمان واقعی و ضد کبر و غرور است، در حالی که کبر عامل دوری از حق و کفر محسوب می‌شود. همچنین، این بندگان در مواجهه با جاهلان و جدال‌های بی‌حاصل، با پاسخ دادن به صورت سلام و بزرگ‌منشی، بردباری و ترک مقابله به مثل را نشان می‌دهند. این صفات به ویژه در مواجهه با نادانی و فساد اجتماعی، برای ادامه مسیر بندگی و عبودیت ضروری‌اند. علاوه بر این، شناخت عمق محدودیت انسان در برابر عظمت جهان هستی، تواضع را به عنوان ضرورتی اخلاقی و معرفتی برجسته می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۴۷-۱۴۹).

در آیه ۲۰ سوره آل عمران، خداوند به پیامبر اسلام (ص) می‌آموزد که در مواجهه با مناظره‌های بی‌ثمر و لجوجانه، بهتر است از ادامه مباحثه صرف‌نظر کند و با بیان کلی «ما و پیروان ما رو به سوی خدا کرده‌ایم» پاسخ دهد. این روش اعراض از جدال بی‌حاصل و نشانه‌ای از ادب مناظره است که از تکرار دلایل بی‌فایده جلوگیری می‌کند. همچنین، پیامبر موظف به رساندن پیام است و ایمان آوردن یا نیاوردن مخاطبان خارج از مسئولیت اوست. این آیه بر پرهیز از تکبر علمی و جدال بی‌حاصل تأکید دارد و تسلی الهی به پیامبر را در مواجهه با نپذیرفتن حقیقت توسط دیگران نشان می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۸: ۲/۸۸-۸۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳/۵۸-۵۹).

دعوت به تفکر و تدبیر با گشاده‌رویی:

قرآن کریم تنها کتابی برای قرائت سطحی نیست؛ بلکه خداوند در این کتاب مقدس دعوت به تفکر و تدبیر کرده است تا دریچه‌ای برای شناخت عمیق‌تر آفریده‌ها و پیام‌های آسمانی بگشاید. خداوند نه تنها انسان‌ها را به اندیشیدن فراخوانده، بلکه گشاده‌رویی را شرط این مراقبه قرار داده است؛ زیرا حقایق هیچ‌گاه در بستر تعصب و سرسختی ذهن، آشکار نمی‌شوند.

در تفسیر آیه «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»

آمده است که برخی مفسران «گوش دادن به سخن و پیروی از بهترین آن» را شامل شنیدن قرآن و سایر سخنان و پیروی از قرآن دانسته‌اند؛ عده‌ای نیز این عبارت را به استماع اوامر الهی و انتخاب بهترین آن‌ها تفسیر کرده‌اند. با این حال، این تفاسیر عمومیت آیه را محدود می‌سازند. پیروی از بهترین سخن، خود نوعی هدایت الهی است که جست‌وجوی حق و آمادگی برای پیروی در هر شرایطی را در بر می‌گیرد. همچنین، اصطلاح «أَوَّلُو الْأَلْبَابِ» به صاحبان عقل اشاره دارد؛ عقلی که انسان را به سوی حق می‌کشاند و پیروی از دین خدا نشانه آن است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۷/ ۳۸۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ه.ق: ۶/ ۶۵۸-۶۵۹؛ زمر/ ۱۸).

آیه ۲۴ سوره محمد دو عامل اصلی انحراف را نشان می‌دهد: یا عدم تدبر در قرآن به عنوان نسخه کامل هدایت الهی، یا وجود قفل بر دل‌ها به دلیل اعمال ناپسند که مانع نفوذ حقایق می‌شود. قرآن فراتر از تلاوت، کتابی برای یادآوری، تدبر، انداز و هدایت است و باید در زندگی مسلمانان به عنوان برنامه‌ای جامع به کار رود. متأسفانه برخی فقط به ظاهر قرآن توجه دارند که این باعث دوری از اثر واقعی آن می‌شود. تدبر به معنای بررسی نتایج است و بهره‌گیری از قرآن نیازمند خودسازی است، چرا که قفل‌های دل ناشی از هوای نفس و تعصبات مانع دریافت نور حق می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/ ۴۶۷-۴۶۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۹/ ۱۶۵-۱۶۶).

آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» با دعوت به «تدبر در قرآن» بر ضرورت اندیشیدن در آیات الهی تأکید دارد. قرآن، بسان باران رحمت الهی، هر انسان را به اندازه ظرفیت و استعدادش از معارف خود بهره‌مند می‌سازد. هرچه تدبر و تفکر در آیات بیشتر باشد، معانی و حقایق تازه‌تری آشکار می‌گردد. این آیه با لحنی توبیخی، غفلت از تفکر در آیات را نکوهش می‌کند و انسان را به تأملی مشابه اندیشه در پدیده‌های آفرینش فرا می‌خواند. از منظر تفسیری، میان قرآن و جهان طبیعت نوعی هماهنگی و تنوع معنادار وجود دارد؛ همان‌گونه که نظام آفرینش از رنگ‌ها و جلوه‌های گوناگون تشکیل شده، قرآن نیز با تنوع موضوعی و مفهومی خود هر ذائقه فکری را سیراب می‌سازد. در نتیجه، تفسیر قرآن بر اساس ترتیب سوره‌ها، با ساختار درونی و روح وحی سازگارتر است و فهمی جامع‌تر از پیام الهی فراهم می‌کند (جعفری، ۱۳۹۸: ۲/ ۵۰۲)؛ (نساء/ ۸۲).

در افق تعالیم قرآن، انسان دانا کسی نیست که خود را بی‌نیاز از بازاندیشی و آموختن پندارد، بلکه کسی است که هرچه بیشتر می‌داند، به وسعت نادانسته‌های خویش بیشتر واقف می‌شود؛ چنین نگرشی، در واقع جوهره‌ی «فروتنی فکری» است.

فروتنی فکری، فضیلتی مبتنی بر شناسایی نادانسته‌ها و ضعف‌های معرفتی است که خودفریبی و محافظه‌کاری را آشکار می‌سازد و در سنت اسلامی نیز، نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد که این فضیلت با سایر فضایل پیوندی

معنادار دارد. علاوه بر این، بر اساس پژوهش‌های اخیر، فروتنی فکری به معنای توان تشخیص نادرستی برخی باورهاست و همین امر، آن را برای پیشرفت علمی ضروری می‌کند؛ چرا که پژوهشگران را به بررسی خطاپذیری نتایج از طریق مطالعات تکراری و پذیرش ادعاهای احتمالی سوق می‌دهد؛ ضمن آنکه در آموزه‌های دینی، موجب افزایش بردباری، بهبود روابط، تقویت افکار و احساسات مثبت و کاهش سوگیری تأییدی می‌شود (سلیمانی و پاکروان، ۱۴۰۲: ۷۷).

در نهایت، می‌توان گفت فروتنی فکری، فضیلتی معرفتی است که بر پایه‌ی اذعان به محدودیت‌های دانش انسان، پرهیز از تکبر علمی و آمادگی برای پذیرش حقیقت شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که این فضیلت، جلوه‌ای از عبودیت آگاهانه‌ی انسان در برابر خداوند علیم و حکیم است که به شکوفایی سنجیده و مسئولانه‌ی عقل می‌انجامد.

راه‌های پرورش تواضع فکری در قرآن کریم

در ادامه، به بررسی تفصیلی راه‌های پرورش تواضع فکری در قرآن کریم می‌پردازیم و با استناد به آیات و روایات، به تبیین این موضوع مهم خواهیم پرداخت؛

الف) شناخت رذایل متقابل و راهکارهای قرآنی

یکی از راه‌های مهم برای پرورش فضیلت تواضع فکری، شناسایی و دوری گزیدن از رذایلی است که در مقابل آن قرار دارند. فروتنی فکری در انسان زمانی تقویت می‌شود که فرد، به جای مطلق‌انگاری دانسته‌های خود، از محدودیت‌های دانش خویش آگاه باشد و از افتادن در دام غرور معرفتی و جمود فکری پرهیز کند.

قرآن کریم، با دعوت به طلب پیوسته‌ی علم در آیه ۱۱۴ سوره طه، نشان می‌دهد که انسان در مسیر رشد معرفتی و فکری نباید خود را به نقطه نهایی دانایی برساند؛ بلکه باید نسبت به آموختن و اصلاح باورها گشوده باشد. افزون بر این، آیه ۱۸ سوره زمر بر اهمیت شنیدن سخن دیگران و سنجش عاقلانه آن تأکید دارد.

هنگامی که مفاهیم فضایل و رذایل اخلاقی به درستی برای مردم عادی و حتی کودکان تبیین شود، آن‌ها قادر به تشخیص تفاوت میان‌شان خواهند بود. این درک، به آنان کمک می‌کند تا بفهمند انسان‌ها، از جمله خودشان، چگونه می‌اندیشند و چه عواملی باعث ایجاد انگیزه در ایشان می‌شود.

افراد با تفکر درباره‌ی مفاهیم فضیلت، می‌توانند انگیزه‌ی رشد این فضایل را در خود پروراند؛ زیرا ذهن انسان به طور طبیعی تمایل دارد تا از این فضایل به عنوان معیاری برای ارزیابی افکار و رفتار خود استفاده کند (میراحمدی، ۱۴۰۱: ۵۴).

از این رو، شناخت رذایل مقابل فروتنی فکری، مقدمه‌ای ضروری برای پرورش این فضیلت است. قرآن کریم نیز

با تأکید بر تواضع در برابر علم الهی، لزوم شنیدن سخن درست، و پذیرش محدودیت‌های فهم انسانی، بهترین مسیر را برای پرورش این ویژگی نشان می‌دهد.

(ب) الگوبرداری از شخصیت‌های قرآنی؛ راهی برای پرورش تواضع فکری

یکی از بهترین راه‌ها برای تقویت «تواضع فکری»، این است که از شخصیت‌هایی الگو بگیریم که قرآن آن‌ها را به عنوان نمونه‌های عالی تواضع معرفتی معرفی کرده است. ذهن انسان به‌طور طبیعی تمایل دارد از کسانی تقلید کند که تجسم این فضیلت‌ها هستند. قرآن کریم نیز صرفاً به بیان مفاهیم انتزاعی بسنده نکرده، بلکه با معرفی الگوهای عملی، مسیر دستیابی به این فضایل را هموار کرده است.

به عنوان مثال، حضرت موسی (ع) با وجود مقام پیامبری، در مقابل حضرت خضر (طبق آیه ۶۶ سوره کهف) با فروتنی اعلام کرد که از او یاد می‌گیرد. این الگو به ما کمک می‌کند تا در ذهن خود این باور را تثبیت کنیم که حتی در اوج دانش و مقام، باید همواره خود را در معرض یادگیری بیشتر ببینیم و از تکبر معرفتی دوری کنیم. همچنین، دستور قرآن کریم در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران درباره پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که تواضع فکری ایجاب می‌کند انسان، حتی در اوج اندیشه و دانش خود، خود را بی‌نیاز از شنیدن نظرات دیگران نبیند. در واقع، این آموزه ذهن را از جمود فکری خارج کرده و آن را پویا نگه می‌دارد. این الگوبرداری نه تنها به رشد معرفتی ما کمک می‌کند، بلکه باعث ارتقای شخصیت فکری و اجتماعی ما نیز می‌شود و ما را از دام غرور فکری رهایی می‌بخشد.

(ج) درک عمیق عظمت خداوند

یکی از بهترین راه‌ها برای اینکه آدم متواضع‌تری در فکر و اندیشه باشد، این است که عظمت خداوند را عمیقاً درک کند. قرآن کریم در آیه ۸۵ سوره اسراء به ما می‌گوید که دانش ما در برابر علم بی‌کران الهی، چقدر ناچیز است؛ مثل یک قطره در مقابل اقیانوس. وقتی این حقیقت را با تمام وجود باور کنیم، دیگر غرور فکری مانع پیشرفت‌مان نمی‌شود. این درک عمیق باعث می‌شود که وقتی در بحثی چیزی را نمی‌دانیم، راحت بگوییم «نمی‌دانم». در واقع، فروتنی فکری یعنی همین که بپذیریم دانش ما محدود است.

علاوه بر این، آیات ۱ و ۲ سوره انسان هم به ما یادآوری می‌کنند که ما در برابر عظمت هستی، بسیار کوچک هستیم؛ اندازه‌ی ما در برابر عظمت عالم، شاید از اندازه‌ی یک الکترون در برابر یک کوه هم کمتر باشد! در این آیات، خداوند می‌فرماید که ما انسان را از یک نطفه‌ی ناچیز آفریدیم تا او را بیازماییم و سپس به او توانایی شنیدن و دیدن دادیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۹).

با این نگاه، «فروتنی فکری» دیگر فقط یک ویژگی اخلاقی یا یک تصمیم ذهنی نیست، بلکه بخشی از معنای

«بندگی» است. بنده واقعی کسی است که در برابر علم و حکمت خدا، احساس نیاز و کوچکی کند؛ اما این احساس، نه به معنای ضعف و شکست، بلکه کلیدی است که در بصیرت و آگاهی‌های بزرگ‌تر را به روی ما باز می‌کند.

(د) سخاوتمندی و سپاسگزاری

تمرین این دو ویژگی، از راهکارهای پرورش تواضع فکری در پرتو آموزه‌های قرآن کریم به شمار می‌آید. در این میان، سخاوتمندی انسان را از خودمحوری و انحصارطلبی در اندیشه دور می‌کند و او را به بخشیدن دانش و شنیدن دیدگاه‌های دیگران فرا می‌خواند. در ساحت اندیشه، سخاوت تنها به معنای عرضه کردن دانش به دیگران نیست، بلکه مستلزم آن است که انسان گوش شنوایی نیز برای پذیرش نظرهای دیگران داشته باشد. از سوی دیگر، سپاسگزاری از خداوند، در نگاه قرآن، فراتر از یک وظیفه، نوعی جهت‌گیری معرفتی است. هنگامی که انسان دانش و توانایی خویش را عطیه‌ای الهی بداند، دچار غرور فکری نمی‌شود؛ بلکه خود را در جایگاه شاگردی می‌بیند که در برابر گستردگی نادانسته‌ها، راهی جز تواضع فکری ندارد.

نتایج

در گستره‌ی اندیشه‌های قرآنی، تواضع فکری صرفاً یک ویژگی فکری نیست، بلکه کلید دستیابی به شناخت حقیقی و حقیقت ناب است. قرآن کریم، انسان را پیوسته به فروتنی در برابر دانش، پذیرش حق (حتی اگر از سوی مخالفان مطرح شود) و پرهیز از جزم‌اندیشی و خودرأیی فرا می‌خواند در مقابل، تکبر فکری ذهن را بسته، دیدگاه‌های دیگر را رد کرده و فرد را در اشتباهاتش راسخ نگاه می‌دارد. تواضع فکری، دریچه‌ای است به سوی درک عمیق‌تر معارف الهی و فرصتی برای بازنگری و اصلاح مداوم خود.

قرآن کریم از طریق روایت سرگذشت پیامبران و اولیاء الهی، تصویری زنده و گویا از تواضع فکری ارائه می‌دهد. این فرستادگان الهی، علی‌رغم جایگاه معنوی رفیع خود، همواره در پذیرش وحی الهی نهایت فروتنی را از خود نشان می‌دادند. علاوه بر این، در تعاملات خود با بشریت، حتی با کسانی که دیدگاه‌های متفاوتی داشتند، با شکیبایی، دقت نظر فکری و همدلی عمیق درگیر می‌شدند. مناظرات کلامی حضرت ابراهیم (ع) با بت پرستان، در کنار رفتار نمونه‌وار پیامبر اسلام (ص) در پذیرش حق و برقراری گفتگوی محترمانه با اهل کتاب و مشرکان، همگی به طور جامع این اصل بنیادین را نشان می‌دهند. این شواهد تاریخی تأکید می‌کنند که پذیرش حقیقت و ارزشی که برای دیگران قائل هستیم، نه نشانه‌ای از ضعف، بلکه نماد اوج صلابت فکری و معنوی است.

در مجموع، پرورش فروتنی فکری در پرتو آموزه‌های قرآن کریم از راه‌هایی چون شناخت رذایل متقابل، الگوبرداری از شخصیت‌های قرآنی، درک عظمت بی‌کران خداوند، و همچنین تمرین سخاوت و سپاسگزاری

امکان‌پذیر است. قرآن کریم با تأکید بر محدودیت دانش انسان، ضرورت شنیدن سخن درست و آمادگی برای یادگیری مداوم، بستری را فراهم می‌آورد تا انسان از دام غرور معرفتی و جمود فکری رهایی یابد. بنابراین، این رویکردها، فروتنی فکری را به مثابه ابزاری برای رشد معرفتی، اصلاح باورها و ارتقاء شخصیت معرفی می‌کنند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که دستیابی به جامعه‌ای آگاه، پویا و اخلاق‌مدار، مستلزم نهادینه‌سازی فرهنگ تواضع فکری است. این فضیلت، نه تنها در حوزه دین و عقیده، بلکه در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، راهگشای پیشرفت و همدلی خواهد بود. قرآن کریم با ارائه مبانی نظری و الگوهای عملی، ما را به سوی این سلوک ارزشمند هدایت می‌کند و غفلت از آن، ما را در دام جزم‌اندیشی و انزوا گرفتار خواهد ساخت.

***پی‌نوشت:** این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات قرآن گرایش معارف قرآن است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- جعفری، یعقوب، (۱۳۹۸)، تفسیر کوثر، چاپ اول، قم: موسسه انتشارات هجرت.
- ۳- خداپرست، امیرحسین، (۱۳۹۷)، باوردینی و فضیلت فکری: تحول اخلاق باور دینی در تعامل با معرفت شناسی فضیلت گرایانه زگزیسکی، تهران: هرمس.
- ۴- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۵- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم موسوی محمد باقر. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۶- سلیمانی، اسماعیل، پاکروان، هانیه، (۱۴۰۲)، اعتبار سنجی و هنجاریابی مقیاس فروتنی فکری (CIHS).
- مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۸، شماره چهارم، ۷۳-۹۰.
- ۷- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله؛ رسولی، هاشم، چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- ۸- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۹- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۷) تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت.
- ۱۰- لطیفی، علی، (۱۴۰۰)، فضیلت تفکر، رشد معلم، شماره هشتم.
- ۱۱- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۵)، عظمت خداوند و خردی آفریدگان در چشم شیعیان واقعی، نشریه معرفت. سال بیست و پنجم، شماره ۲۲۹، ۵-۱۲.

- ۱۲- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، مترجم: دانش موسی، قم: دار الکتب الاسلامی.
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۱۴- میراحمدی، صادق، (۱۴۰۱)، چیستی فروتنی فکری و راه‌های پرورش آنها، فصلنامه تأملات اخلاقی. دوره سوم، شماره ۴، ۶۳-۴۵.
- ۱۵- همت‌زاده، حسین؛ خزاعی، زهرا؛ جوادی، محسن، (۱۳۹۷)، فضایل معرفتی، شرط لازم حقیقت‌جویی و سازنده هویت عقلی، الهیات تطبیقی، سال نهم، شماره ۱۹، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- 16- Pritchard, Duncan. (2020). Educating for Intellectual Humility and Conviction. Journal of Philosophy of Education, Vol. 54, No. 2.pp 398-409.